



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهیهای رسمی و قانونی

شماره ۲۷۲۲

شنبه ۲۷ خرداد ماه ۱۳۳۴

سال دهم

شماره مسلسل ۳۳
دوره هجدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۲۳
صورت مشروح مذاکرات مجلس روزیکشنبه
۲۳ خرداد ماه ۱۳۳۴

فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت مجلس
 - ۲- بیانات قبل از دستور آقایان، دولت آبادی و خلعت بری
 - ۳- معرفی آقای مصطفی صمیمی بمعاونت وزارت امور خارجه بوسیله آقای وزیر امور خارجه
 - ۴- قرائت قسمتی از گزارش وزارت کار و راجع بعاده کارخانه بلورسازی بوسیله آقای معاون وزارت کار
 - ۵- ختم جلسه بمعاونت نفس
- مجلس ساعت ده و ده دقیقه صبح بر است آقای نورالدین امامی (نایب رئیس) تشکیل گردید

(۱- تصویب صورت مجلس)

نایب رئیس - صورت غائبین و دیر

آمدگان جلسه قبل قرائت میشود
(شرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان: ترتبی
نراقی - دولت آبادی - محمودی - افشار
صادقی - دکتر سینه حکمت - دکتر
فهد - احمد فرامرزی - فاضلی - دکتر
فعلی

غائبین بی اجازه - آقایان: کی نژاد -
دکتر افشار - مصطفی ذوالفقاری - پور
سریب - گدپور - صدرزاده - مکرم - دکتر
سید امامی
دیر آمدگان و زود درندگان با اجازه -
آقایان: امینسالار - مهندس شاهر جشاهی

اورنگ - حائری زاده - سلطان العلماء -
نقّه الاسلامی
دیر آمدگان و زود درندگان بی اجازه -
آقایان: دهقان - رضائی - عرب شیبانی -
غائبین دردی - آقایان: هادمان -
سالار بهزادی - صادق - بوشهری - خاکباز -
استدباری - مین زاده - اعظم زنگنه -
عاملی

نایب رئیس - چون جلسه خصوصی
داشتم اجازه فرمائید وارد دستور بشویم
نطق قبل از دستور بماند برای آخر جلسه
بعد از دستور

چند نفر از نمایندگان - صحیح
است

نایب رئیس - نسبت بصورت جلسه
هم اگر فرمایشی هست فرمائید - آقای
بوشهری

باقر بوشهری - بنده در جلسه
قبل حضور داشتم نوشته اند غائب با
اجازه

نایب رئیس - اصلاح میشود. آقای
دولت آبادی
دولت آبادی - مقام ریاست بمفرمانند
که نطق های قبل از دستور بماند برای بعد
از دستور این در حدود اختیار مقام ریاست
است ولی این نکته را هم میخواهم تذکر
بدهم که بعد از دستور اگر وقتی هم باقی
باشد هم آقایان خسته اند و هم ناساطق
(صحیح است) بنا بر این بنده میخواستم
موافقت فرمائید بیانات قبل از دستور ایراد
بشود

نایب رئیس - آقای سرد
سرد - در بیانات بنده چند کلمه در
مطبعه افتاده است يك اشتباهاتی هم شده است
که یادداشت میکنم و تقدیم میکنم دستور
فرمائید اصلاح شود

نایب رئیس - اصلاح میشود. آقای
دکتر شاهکار

دکتر شاهکار - بنده نسبت بصورت
مجلس عرض ندارم

نایب رئیس - نسبت بصورت مجلس
نظر دیگری نیست؟ (گفته شد: خیر) صورت
مجلس جلسه قبل تصویب شد

(۳- بیانات قبل از دستور آقایان: دولت آبادی و خلعت بری)

نایب رئیس - چون نسبت به نطق
قبل از دستور با بعد از دستور اظهار مخالفت
شد بته برای مجلس است آقایانیکه موافقتند
مذاکرات قبل از دستور بیه از دستور موکول
شود قیام فرمائید (بیراسته - عده برای
رای کافی نیست و بلاوه رای نمی خواهد
بسته بنظر رئیس مجلس است)
(باورود چند نفر عده برای رای کافی شد)
نایب رئیس - رای گرفته میشود

آقایانی که موافقت نطق های قبل از دستور بیه
از دستور موکول شود قیام فرمائید (عده
کمی برخاستند) تصویب شد. آقای دولت
آبادی فرمائید

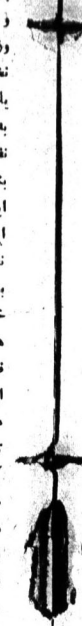
دولت آبادی - بنده عرض زیادی
ندارم اکنون که نزدیک دو ماه از مهر
دوره ۱۸ قانونگذاری مجلس شورای ملی
میگذرد اولین وقته است که چند دقیقه از
یشت این تریبون وقت مجلس را اشغال
میکند و بیشتر انتظار داشتم آقایان دوستان
ورقا و همکاران عزیز که هم شان نیات عالی
درخیز و صلاح مملکت دارند بیایند و
فرمایشاتی فرمائند و مارا ارشاد فرمائند

بنده تردید ندارم که تمام همکاران عزیز
بگذرد اینجا حضور دارند و از نقاط مختلف
مملکت بنیاند که مجلس انتخاب شده اند بیرون
استثنا هدفی جز خیر و صلاح مملکت ندارند
(صحیح است) درست بخاطر دارم که در
روز ۲۴ مرداد ۱۳۳۴ یعنی ده سال پیش
از پشت همین تریبون مجلس این مطلبی
را که می خواهم عرض کنم عرض رساندم و
امروز هم تصادفاً بعد از ده سال این فرصت
نصیب بنده میشود که عرضی بر عرض آقایان
برسانم پس از بیان مطلب اصلی که وحدت
نظرو توجه آقایان محترم بمصالح مملکت
زیادت از زندگی است آرزوی یک نکته ای را
عرض کردم و منتهی آوردم که امروز هم
بدبختانه با عرضی شفته بته که آن ناگزیرم و
آن اینست که اوضاع مملکت ما شایسته
دارد يك اراده ای که در وسط یک رودخانه
ای مانده باشد (صحیح است) و عوامل بسیار
و افرادی با حسن نیت همه میل دارند که این
اراده را از وسط رودخانه بیآورند بیرون
و هیچ نتی جز نجات آن اراده ندارند ولی
چند نفر از جانب مشرق چند نفر از جانب
مغرب چند نفر از جانب شمال و چند نفر از
جانب جنوب این اراده را گرفته اند همه
فشار میدهند نیشان هم یکی است نجاست

اما خردان، صورت خردشان مسلمان داشته
 می‌کند بنابراین مجلس خردیابی باید نوع
 بسین نکته داشته باشد که همان دارای
 خاصیت نسبت با مردم است. مستندنامه
 خان غیر این جامعه را می‌خواندند. نشان
 درخدا پرستی و عهد دوستی می‌خوانند. فدا
 کاری گفته ولی باید هدفشان را یکی بکنند
 و متحد باشند که توفیقشان را در یک نقطه
 سرف کنند تا آن اراده و مانند را از
 رودخانه بیرون بیاورند. اینجاییکه بنظر بنده
 اشکال دارد اینست که هنوز آن مقدار
 همکاری و همکاری که بایستی برای بهبود
 اوضاع و معضلات و مخصوصاً اقدامات عاجلی
 لازم است برای ملت یکدم هنوز شروع
 نگردیده‌اند. فرد فردمان آن‌سخت است
 داریم. دفتر و بیست نفری با هم تماس و
 همکاری دارند ولی مجلس شورای ملی
 شکست خورده است. حکومت ملی یعنی
 قوا و استفاده از نیروی اکثریت برای حل
 مشکلات ملی اینکار انجام نشده. خاطر هست
 در یکی از جلسات خصوصی در همین اوایل
 مجلس با مستشار آقایان سارنده که خوبست
 یکقدری بیشتر همدگر را بشناسیم یکقدری
 که سیر بکنیم بهتر می‌توانیم همدگر را بشناسیم
 و بهتر می‌توانیم باهم با حسن تفاهم حرف بزنیم
 خوشبختانه امروز آن شناسائی واحدی
 حاصل شده است و ما پیش و کم هم دیگر
 را می‌شناسیم و بنده در بیان اولی که گفته
 ام بنده در همه کمال حسن نیت در اصلاح
 ملت هستم. بینم کوچکترین مبالغه و مزاج کمتری
 نگردد. زیرا بنده یک آقایان را می‌شناسم
 و می‌دانم جز این هدفی ندارند و می‌خواهند
 مملکت از این فراموشی و بدتر از آن بدبختانه
 از این فقر اخلاقی نجات پیدا کند. مملکت
 یعنی همین عزیز ما و ارت یک حوادث
 تا گوار و بدبختی‌های شدیدی بوده است که
 زیاد هم ارتباط با این دو سال اخیر ندارد
 و زویش‌های کهن دارد. اتفاقاً در این دو
 سه سال اخیر مردم انتفاضات بیشتری داشتند
 زیرا این روح و وحدت نظر و تجمع قوا برای
 حمایت از یک فردی که می‌خواست یعنی مدعی
 اصلاحات بود به نتیجه رسید بنابراین چون
 انتفاضات مردم بیشتر بود و قفسی مواجبه
 باشکست و نادرستی‌ها بشود که اسم
 آنها شیدت است. اما بصرف انتقاد
 از گذشته اصلاحات شروع نمی‌شود (صحیح
 است) با ذکر دردم نمی‌شود گفت درمانی
 بماند و نتیجه‌ای از نظر مملکت نرسیده است
 بماند و نتیجه‌ای از نظر مملکت نرسیده است
 دولت گذشته در وضعیت خاصی پیدا شده
 و حیاتی و نظری از مردم دیده ولی از نظر
 نتیجه برای مملکت بسیار تا گوار و نادرست
 بود و خداوند باز نیارود آن‌ها را. فوج و
 مقتضی را که تا این سال گذشته و تا ۲۸
 مردان (صحیح است) (شوشتری
 ۲۸ مردان بودیم) البته همانطور که

صداقتشان قرار گرفت و حقیقی بودنش
 مردم که تصدیق بکنند ما باید اول بگوئیم
 که در یک مؤسسه فیرمادی از زندگی فرار
 گرفته‌ایم (صحیح است) بدو شک و تردید
 چنگ و سیر مایه‌های چنان ازین برین دور و
 مهم لغات بسیار شده‌اند. با یاد بنابر این
 هر کس که می‌خواهد کمربندد برای مبارزه
 اول باید میدان و سرف را ببیند. اما در یک وضع
 حادی نیستیم که باشند دولت آبادی و آمدن
 بکارت تریبون و صحبت کردن در باره نواقص
 پشت روزندگی کافی باشد که مردم برای
 مبارزه تشجیع کنیم ما که مست نماندگی
 این مردم را داریم اول خودمان را قرار دادیم
 که در یک وضع فیرمادی قرار داریم برای
 مبارزه در یک وضع فیرمادی باید تجهیز
 فیرمادی بکنیم یعنی اول باید بر خودمان
 تسلیم بکنیم و محرومیت کنیم را در زندگی
 شخص خودمان قبول کنیم اگر این را قبول
 داریم برویم دنبال مسائل دیگر ولی ما اینجا
 بنشینیم و بگوئیم مردم گرسنه‌اند، نان ندارند
 همه چیز گران است و نمی‌شود به آن‌ها کس
 که می‌بایستی انتظار و توجهی داشته باشند
 باید خودشان را برادر قرار داد اگر من این
 اصلاحات را برای خودم قبول کردم از شما هم
 انتظار دارم قدم بر دارم در راه اصلاحات
 این یکی. دوم اینکه طرز رضافت ما در
 امور بدبختانه زیاد منصفانه نیست آنرا هم
 باید از خودمان شروع کنیم بنده خود فکر
 میکنم که تمام نا کامیها و ناورانیها که
 در زندگی می‌کنیم ناشی از ضعف خودمان است
 و این نوع تضادها باید در نهاد ما تمام افرادی
 که بخواهند زندگی کنند بنام کمال مسلم
 ثابت مورد قبول باشد حساب بکنیم برای
 اینکه آدم بخواهد نتیجه برسد باید تمام
 مواج و معظوراتی که فکر میکنم بنام
 می‌آید پیش بینی بکنند تا بتوانند پیشرفت
 بکنند و عیب اینجاست که ما در امور عادی
 زندگی گمان این پیش بینی را میکنیم ولی در
 کار مملکت که احتیاج دارد پیش بینی‌های
 دقیق تر و تضادهای دقیق تری شود اینها
 توجه نداریم اینها هم باید توجه کنید اما
 از این مرحله که بگذریم باین حساب باید
 توجه داشت اگر در روزها توجه کرده‌ایم و
 ما اگر بخواهیم بگوئیم بزرگترین درد و
 نقص ما کدام است که مساعی ما در تریبون
 نرساند و نمی‌توانیم مساعی خود را نتیجه
 برسانیم بقیه بنده ضعف ایمن است
 باقی مایب همه در درجه دوم است پول
 نداریم درست سرحدات تریبون نداریم خدای
 نکرده آنها درست است ولی ایمن ما
 ضعیف است آن امری که باید در زندگی
 ما را از تجاوز و حقوق دیگران بازدارد و از
 هر خطا و غلطی خودداری کنیم آن ایمن
 ما است که این روزها ضعیف شده است اگر
 او نباشد تمام این نقش‌های اصلاحی نقش بر
 آب است تردید ندارد بنابر این اگر کسی
 بخواهد در یک مجلسی با مطالعه دقیق

کمر اصلاح ببندد اول بایستی قرار بکند
 که آن عمل‌فردا را بصورت راز خودش
 شروع بکند .
نایب رئیس - جناب آقای آبدی
 وقت شما تمام شد
دولت آبادی - استدعا میکنم
 اگر موافقت بکنند وقت بنده تجدید
 بشود .
نایب رئیس - اجازه فرمائید عده
 برای رای کافی بشود (پس از ورود چند نفر عده
 کافی شد) آقایانیکه باینک تریبون ادامه بیانات
 آقای دولت آبادی موافقت قیام فرمایند
 (اکثر برخاستند) تصویب شد . فرمایند
دولت آبادی - بنده از اظهار لطف
 همکاران عزیزم بسیار متشکرم و این را بجا
 نیک می‌گیرم و امیدوارم عراض بنده هم
 مورد توجهشان قرار گرفته باشد که اجازه
 می‌دهند بنده ادامه بدهم بهرحال مشکلات
 زیاد است بنده هم می‌گذرم و وارد بحثی
 شوم مملکت ما آسیبها و لطافت زیاد دیده
 است و در مقابل آن آسیبها و لغات و
 صعوبات مقاومت هائی کرده که دنیا با نظر
 تحسین و اعجاب دارد شما رفتاری عزیز یاد
 یابورید که دولتهای بزرگی که ده سال
 باند زده‌اند پیش از این بیست سال پیش از این
 پیش از اینک در دوران جنگ که نازم جنگ
 بنام آید روشن شد در ادای شخصیت و پول
 تسلیحات ولوازم بودند ولی جنگ چنان تار
 و پود آنها را از بین برد که هنوز نشانمان
 نوی تاریخ نیست خیلی نزدیک هستند دور
 نیست ولی این مملکت قرن‌ها مانده است و
 بازم خودمانمانند زیر این کانون خرابی
 و فقری بوده است تا دنیا خواهد ماند این
 افتخار برای ایران باقی می‌ماند مخصوصاً
 که این مملکت علاوه بر مزایای تاریخی
 و افتخاراتیکه از اصناف کهن دارد دینی مانده
 اسلام دارد بنابر این ما که موجد و مؤمن
 هستیم ما میدانیم که حافظ دینگری است و
 ما را نگهداری خواهد کرد در یک است
 که دشمنان را باز بکنیم و موارد را ببینیم
 و طبق همان عمل کنیم یکی از مشکلاتیکه
 ما بآن مواجهیم این کار نقت است من نمی
 خواهم در این باره وقت مجلس را زیاد بگیرم
 و در این باره زیاد گفته باشم ولی اجازه می
 خواهم عرض کنم که بنده از این تریبون
 وعده داده‌ام که روزی سیصد هزار لیره
 حمایت دولت صحبت نکنم نه من خودم دولت
 و شخص سید زاهدی و شخص اطهر حضرت
 هابونی را برای مملکت می‌خواهم چنانکه خود
 اعلیحضرت هابونی در فرمایششان مکرر
 فرموده‌اند که من خود را برای مملکت می
 خواهم بنابر این بایستی مملکتی داشته باشم
 که بانه و آقای درخشش انشاء الله و کبیل
 بشویم و دیگران بنا بر این استدعا میکنم
 انصاف داشته باشم و اگر ما از انصاف
 محروم بشویم حتماً به نتیجه خواهیم رسید
 محرومیت هائی که ما را باید تحمل کنیم
 چرا تهران را بکنیم و دوست‌ها را فر
 اصلاح است و بنده آنها را بگویم و نمیتوانم
 بگذرم باید آنها را از پشت این تریبون
 بگویم چون چشم اول افتاد با آقای شوشتری
 وزیر دادگستری عرض میکنم دادگستری
 ما هنوز مشکلات زیاد داریم است من
 می‌خواهم بگویم از ضعف ایشان هم انتظار
 ندارم یک نهادمانی که ریشه کهن دارد
 امروز همه اصلاح کنند ایشان نشان دادند
 که مرد ریشدی هستند و بنده ۵۰ وقتی در
 دولت بودم ناظر این مطلب بودم و بنابر
 این بنده ایشان را احترام دارم ولی باید از
 ایشان بخواهم که هر چه زودتر ریشه این
 دستگاهها را پاک کنند مقررات برای چیست
 برای اینست که یک مملکت را از بدبختی
 نجات بدهد و بهر دران مملکت و نجات آن
 بخورد (صحیح است) بخورد (صحیح است)
 وزارت اقتصادی که جناب آقای دکتر
 شادمان دوست و سرور عزیز بنده هم اینجا
 تشریف دارند ایشان شخص بسیار شریفی
 هستند (صحیح است) ما اقتصاد نداریم
 بدون دو در بایستی یعنی چه؟ یعنی ما یک
 نقشه مطالعه داشته‌ایم که معلوم باشد
 این مملکت بنیان اقتصادی بر چه پایه‌ای
 متنی است و تا امروز هم نتوانسته ایم یک
 قومی برداریم و باین ملت نشان بدهیم که
 ما خواهان یک اقتصاد صحیح و مبتنی بر
 مطالعات هستیم (دکتر جزایری - بسیار
 صحیح است) اما یک چیز هست و آن یک
 تجربه بسیار ساده‌ای است که این حقیقت
 را روشن می‌دارد که اگر ما راهمانی که
 رفتیم غلط بوده است آیا باید باز هم همان
 راههای غلط را برویم؟ این نظر بنده دور
 از انصاف است بنده عرض میکنم که انصاف
 تجارت این مملکت را فقط و بدبختی کشانده
 است (چند نفر از نمایندگان - صحیح است)
 بنده خودم بادم هست جای را با استخفاف می
 آوردم می‌گذاشتند در کانون سلف فرشی
 هر یکش را ۲۰۰۰ ریال می‌فروختند و این
 مشکل را حل کنیم و جای را کبلی
 ۵۰ تومان نخریدیم که بقیه بگوئیم جای
 می‌گویند جای گیلان باید صحبت شود خدا
 شاهد است برای من زارع گیلانی با زارع
 اسفهان با مردمی که در بند عباس کار
 میکنند چه فرایند همه برادرند هر کسی
 در گیلان چاق فرایند کرد بآن کبلی ده
 تومان بدهد (یکی از نمایندگان -
 بزاد گیلانی چیزی نرسد) اما این را
 بهانه قرار ندهید که دردی در این مملکت
 رواج پیدا کند من می‌گویم که این مملکت
 بین ۱۷ تا ۲۰ هزار تن جای مصرف دارد
 (دکتر جزایری - مقدار زیادی ما فاق
 وارد میشود) پنج یا شش هزار تنش را
 گیلان بدهد چرا بقیه را امیدید به ده
 نفر در تهران که همه میلیون بشوند چرا؟
 (یکی از نمایندگان - توجه نکنند بشهرستانها)
 اجازه بدهید چرا این مملکت به این روز افتاد
 چرا بنده صحیح این مملکت به این روز افتاد
 چرا تهران را بکنیم و دوست‌ها را فر



صدا بکنند و جواب درازی یک کاله دیگری
 برده‌ام یکی از بدبختی‌های در مملکت فرنگش
 است این برانه فرنگش است که ما باین بدبختی
 انداخته‌اند در این مملکت کار فرنگ
 غلط است ده سال پیش از این در کبسون
 بود چه گفتند اگر می‌خواهد سعادت مملکت
 قدم بردارد حقوق مسلمین را بدهد ولی
 در فرنگش این بدبختی‌ها را بکنند این فرنگ
 جز بیچاره کردن و اتکالی باز آوردن و بدبختی
 اطفال چیز دیگری نیست آقای دولت
نایب رئیس - جناب آقای دولت
 آبادی بدبختانه وقت آفتاب تمام شده است
 (بعضی از نمایندگان موافقت صحبت کنند)
 (مهندس اردبیلی - درود میکند آقا)
 بدبختانه آقایان می‌خواهند وظیفه بنده را
 انجام بدهند مردم برای رای کافی نیست
 چون سیر آقای عرب‌باشی مردم شده‌و
 هدای از آقایان نمایندگان فارس اجازه
 گرفته‌اند و رفتند عده کافی نیست اجازه
 بدهید که برانمان را ادامه بدهیم و یکچه
 دیگر صحبت بکنند و آقای دولت آبادی هم
 در یک جلسه دیگر صحبت بکنند
دولت آبادی - بنده با کمال میل
 حاضر ام کرده برای رای کافی نیست بنده
 مطالب زیادی دارم و آنها را می‌گذارم
 برای بعد (احست)
نایب رئیس - آقای خلعتبری
خلعتبری - آقایان مسئله روز مملکت است
 یعنی مسئله ننت که آقایان باید با نهایت
 علاقه توجه فرمایند اگر اشتباهی دیده‌اند
 بیایند در اینجا رفع فرمایند نمایندگان
 کسریوم به تهران آمده‌اند برای تجارت
 آمده‌اند آنها منافع خودشان را می‌خواهند
 بایدهم بخواهند باید منتظر باشید برای
 منافع ما آمده‌اند منافع مردمی داریم این
 منافع را که می‌حفظ بکنند که دور در اول
 نمایندگان مملکت هم بر سر هوا گرفته‌اند
 برای این است که موضوعی که مربوط به
 منافع ملت ایران است با نظر مثبت به تا
 نظر منفی در اینجا اطلاع نمایندگان محترم
 و بسع ملت ایران برسانم .
 البته این مطالب خیلی مهم و اساسی
 است که باید آقایان توجه فرمایند برای
 اینکه آقایان مطیعان داشته باشند که من از
 جنبه مثبت می‌خواهم صحبت کنم قلاب می‌گویم
 که بنده خود متقدم هستم و می‌گویم که
 مسئله نطق باید نفع مملکت از آن حل
 شود (صحیح است) و تحلیلی دستکاملف
 صلاح نیست (صحیح است) از نظر اقتصادی
 مملکت صلاح نیست و استدعا میکنم که
 بقیه عراض توجه کنند آقایان می‌دانند که
 بنده خودم بزرگه نلی بودم خود بنده

مر داده که ما هم (تیم) اما بجاگمال
 ناسف آنوقتیکه ۱۹ حرکت نفت بشرکت
 نفت کک سرگردان یعنی کسی اطلاع نداشت
 (یک نفر از نمایندگان - چرا آقا اطلاع
 داشت) (تیمورثاش - ما گفتیم، والله
 گفتیم) بنده این عرض را میکنم بعد شما
 بکنیم و بفرمائید. بنده عرض خود را میکنم
 (میراشرفی - آقا امریکانها ما هم شرفراز
 هم بی ما دادند) (خوشتری - آقا مصدق
 اینها را می دانست یا نه) آقا من میگویم
 مصدق اشتباه کرد شما از من سؤال میکنید
 (خوشتری - خیانت کرد - اشتباه نکرد)
 این قرارداد در تاریخ ۱۹۴۵ آقا آقایان
 گوش کنید این قرارداد ۲۵ دسامبر ۴۵ است
 که بین دولت انگلستان و امریکا بسته شده
 است ماده ۲ آن میگوید (از نظر تسهیل
 مقررات این قرارداد دولتهای امضاء کننده
 سعی خواهد کرد بکارخواهند برد که
 الف - کلیه قراردادهای امتیازاتی که
 دارای اعتبار بود که حقوقی که متعلقاً
 تحصیل شده است معترض شمرده شود و
 بطور مستقیم و غیر مستقیم در یک چنین حقوق
 و قراردادهای هیچ نوع تغییری داده نخواهد
 شد.
 فصل ب آن راجع به تحصیل امتیاز
 اکتشافی و حق توسعه دادن صنعت نفت ایستی
 یعنی تساهل حقوق معترض شمرده شود
 بگویم که قراردادی بین خودشان وجود
 داشته (خوشتری - این قرارداد درجه
 تاریخی است) خیلی بیش از ملی شدن نفت
 (خوشتری - این دلیل خیانت نیست) و
 این قرارداد سبب شده که دولت امریکا از
 این پیش از ملی شدن نفت (عسلی نوری -
 خیانت مصدق است که با علم بیک چنین
 قرارداد این خیانت را کرد) بنده میگویم
 بگویم وقتی شرکت نفت دیلمه نفت خودمان
 را ملی کردیم اینکه آقایان میگویند که
 در کتر مصدق قصد داشت که دستگاه نفت را
 بخواهد برای اینکه در این محل استفاده از
 لفاظ خود بکند این حرف غلط است
 برای شما دوستدار میفرماید توجیه بفرمائید
 در کتر مصدق سعی کرد، تلاش کرد ولی از
 عهد بر نیامد (مهندس جفروی - صحیح
 است) (میراشرفی - غیر صحیح نیست)
 اما اولاً که دولت و ثانیاً اشتباهات
 خودش باعث شده که از همه بر نیاید. سند
 اول جلسه ۱۴۴ مجلس ۱۶ نقل آقای دکتر
 مصدق در همین مجلس باین عبارت
 بود آن اصلاح اساسی که ما در نظر گرفتیم
 که باعث معارض مردم و هم از جهت اخلاق
 مردم می باشد آن ملی کردن صنعت نفت
 بود در ایران اگر ما بکار بکنیم
 به یک معادله توان داد ای بدست
 دست توانیم در واقع
 هم کارهای تولیدی در این مملکت ایجاد
 بکنیم و نفر و بیبھی را از این مملکت
 بر کنار بکنیم و هم دست حرکت نفت را
 از سیات این مملکت خارج کنیم اما این
 در درجه اول این بوده است که ما از نفت
 درآمد داشته باشیم هر کسی اینصورت را
 منکر بشود صحیح نیست اما بنده عرض می
 کنم اینجا رسید آن نقطه دقیق که آیا
 دولت سابق باینکه من میگویم غلط و
 شما میگویند خیانت چه اقداماتی کرد و آیا
 باز خارجها نخواستند و در نتیجه نخواستند
 آنها این پارچه که باین حد که بر گردن
 یعنی بنانه داشته که در اختیار خودش باشد به
 نبود، من میگویم که اگر او تغییر و
 مصلحت را نتوانست تعیین کند و یکمدهای
 بودند اینجا که او را بختند ولی یک چیزی
 را شما نباید فراموش کنید و آن اینست که
 انگلستان میخواست نفت ایران را بیک صورتی
 داشته باشد که در اختیار خودش باشد به
 پیشنها جکسن مراجعه کنید پیشنها جکسن
 اموال شرکت سابق را داده بولت ایران
 و در واقع از موضوع فرات منصرف شده
 ببینید از نظر خودشان چه گذشت کردند
 فقط برای اینکه یک سازمانی تشکیل شود
 برای توزیع نفت ایران که نصف مال ایران
 و نصف مال انگلیس ولی هیت مدیره این
 بدست انگلیسها باشد. اعضویت اعضا هیت
 مدیره ایرانی ولی حق نظارت و کنترل
 نداشته باشند. آیا از این حق دولت ایران
 می توانست استفاده کند آقایان بدو
 مطلب توجه کنید بگویم راجع بکار شاسها
 که همکاران را دکتر مصدق گفتند
 که این بر گشتن کارشناسها به پرستیزها
 بر میگردانیدند همچو چیزی نبودند خودمان
 اسرار کردیم که کارشناسها بمانند ما خود
 انگلیسها یا حتی دولت سابق ب انگلیسها
 گفت که این مؤسسه را من بدست خودتان
 میدهم ب همان کیفیت که بود باشد فقط با
 مدیر عامل انگلیسی نباشد هیت مدیره
 این هیت مدیره خارجی باشد من این
 مسائل را برای مصدق میگویم اینجا ببرد
 مردم میبورد (میراشرفی - آقای خلعتبری
 چندین مقاله در روزنامه ستاره نوشتند من
 تریجه شده از انگلستان است) این
 مذاکرات تمام شده بود بفرمائید آقایان
 این نکات حساس است دکتر مصدق هم
 برای موضوع فرات میگفت به امر را
 ما مختار بودیم، یکی قیمت سهام شرکت،
 یکی اساس ملی شدن صنایع در مالک دیگر.
 یکی سابقه درخورد انگلستان - صنایع گت
 من زیر بار داوری نبودم. از اینها نکات
 وقتن زیر بار داوری نبودم. از اینها نکات
 یادداشتها که بین دکتر مصدق و جرجیل
 و فرمون مصادره شد در اینجا دکتر مصدق
 حاضر شد داوری مرجع بین المللی لاهه
 یعنی گفت خلق از ما را در این باره با

رئیس هر شمه که انگلیسی بود با نهایت
 قدرت و اقتدار میخواست اداره خودش را
 اداره کند مامم بهمان رئیس همان اقتدارات
 را میدیدم مامم تا هم از ادعاها بیکه متعصبین
 انگلیسی با شرکت باقی نفت امضا کرده اند
 امضا میکنند در اینصورت حسای نگارنی
 نیست که شما بفرمائید متعصبین انگلیسی
 زیر بار ریاست ایرانی نیبوند در هر شمه
 ایرانی هست انگلیسی هست متعصبین
 انگلیسی تحت نظارت یک رئیس انگلیسی
 هستند بعد ایشان گفتند همان روسای شعب
 نمیخواهند زیر بار یک مدیر عامل ایرانی
 بروند من بایشان عرض کردم که ممکن
 است ما این قرارداد را صورت دیگری درست
 کنیم و آن اینست که در هیت مدیره شرکت
 ملی نفوقاتی اساسنامه نوشته میشود یعنی
 در هیت مدیره مدیره های از متعصبین بین المللی
 اروپا از آنها میگذرد و توجیه دولدمکرات
 هستند وارد در هیت مدیره بشوند و توجیه
 متعصبین انگلیسی نیگویند که ما زیر بار
 ایرانی نیبریم و یک متعصب بین المللی
 رئیس این هیت مدیره بشود. اینها مطالب
 و مذاکرات خود را بان مدیر شرکت که
 یکی از متعصبین بین المللی است بدهند
 فرمودند غیر متعصبین انگلیسی به چه وجه
 حاضر نیستند که در تحت ریاست غیر انگلیسی
 باشند.
 آقایان این موضوع کارشناس که
 اینقدر مهم جلوه داده شده بعداً بصورت
 یک واقعه ملی و بصورت یک واقعه قومی
 انجام داده شد (صحیح است) شما آن چیز
 هائی که بنفع خودتان است میگویند صحیح
 است آن چیزهای حساسی را هم بفرمائید
 صحیح است ملاحظه بفرمائید که موضوع
 کارشناس انگلیسی چه دست آویزی شد
 با خود استوکس دکتر مصدق صحبت کرد
 گفت آقا روسای ادارات انگلیسی اختیارات
 با روسای انگلیسی هیت مدیره بین المللی
 فقط مدیر شرکت یک نفر خارجی باشد که
 خارجی غیر انگلیسی - مقصود اینست که
 این تسهیلات برای حل کردن نفت فراهم
 شد ولی نخواستند (خوشتری - شما میگویند
 چکسن از فرات صرف نظر کرد ولی
 ایشان آمد افرا فرات کرد. مادهای
 تریجه شده از انگلستان است) این
 مذاکرات تمام شده بود بفرمائید آقایان
 این نکات حساس است دکتر مصدق هم
 برای موضوع فرات میگفت به امر را
 ما مختار بودیم، یکی قیمت سهام شرکت،
 یکی اساس ملی شدن صنایع در مالک دیگر.
 یکی سابقه درخورد انگلستان - صنایع گت
 من زیر بار داوری نبودم. از اینها نکات
 وقتن زیر بار داوری نبودم. از اینها نکات
 یادداشتها که بین دکتر مصدق و جرجیل
 و فرمون مصادره شد در اینجا دکتر مصدق
 حاضر شد داوری مرجع بین المللی لاهه
 یعنی گفت خلق از ما را در این باره با

و مهندس حسینی) انگلیس تمام با اینکه
 باینکه بین المللی موافق نبودند در یادمان
 انگلستان اعتراض کردند معلوم ما نشان
 اند این کردند این دستهای همکاری می کردند
 برای ما اعتراض کردند انگلیسها میخواستند
 بچای اینکه تفاسیر از اختیاراتشان خارج
 میشد انگلیسها چه بهانه ای آوردند انگلیسها
 گفتند که باید کارشناس ما انگلیسی هم
 بر گردند و باینکه بین المللی کار کنند گفتند
 اگر بر نگردند این برای ما مسئله پرسنیز
 است انگلستان هندوستان را از دست داد
 و بر سر نیزش بر نورد اما گفت که اگر این
 کارشناس هاین نگردند بر سر نیزش بر میخورد
 (میراشرفی - دولت ایران موافقت نکرد)
 (تیمورثاش - دولت ایران موافقت نکرد آقا)
 بفرمائید بفرمائید بنده میگویم آقای دکتر
 مصدق اشتباه نکرد (خوشتری - اشتباه
 نبود خیانت بود) که باینکه بین المللی را نیبورت
 (میراشرفی - انگلیسها نخواستند) خلاصه
 اینکه بانک بین المللی (میراشرفی - خیانت
 بود) حالا شما میگویند خیانت من میگویم
 اشتباه اجازه - بدهید من حرفم را بزم
 خلاصه بانک بین المللی را آقای دکتر مصدق
 قبول نکرد گفت که باید در این قرارداد قید
 شود بعنوان نمایندگی دولت ایران و اگر
 این قید را بانک می پذیرفت آقای دکتر
 مصدق قبول میکرد و بنظر من این ایراد
 آقای دکتر مصدق درست بود آقای دکتر
 مصدق تا اینجا هم حاضر شد که یک مؤسسه
 غیر ایرانی باینده مطلقاً و تفاسیر ایران را در اختیار
 خودش بگیرد و اداره کند اما در این مطلب
 باک مطلبی بود صحیح نبود برای اینکه
 منی عمل باینکه روی اصول این بود که اگر
 داد موفت بشود که صنعت یک بکار بکنند
 هیچ تضییعی از حق ایران نمیگردد از حق
 انگلیسها هم هیچ تضییعی نمیگردد
نایب رئیس - جناب آقای خلعتبری
 وقت شما تمام است
تیمورثاش - اجازه بفرمائید صحبت
 بکنم
نایب رئیس - مه اش که نیست و دنبال
 از دست و وقت مجلس را گرفت مجلس دستور هم
 دارد یکساعت و نیم است که نطق قبل از
 دستور میشود
سالار بهزادی - من وقت را به آقای
 خلعتبری میدهم
نایب رئیس - آقای سالار بهزادی
 وقتتان را دادید به آقا؟ (سالار بهزادی -
 بله) بفرمائید آقای خلعتبری
ارسال خلعتبری - خیلی متشکر
 وقتی که باینکه بین المللی آمد در ایران در اینجا
 حلالی بین المللی شروع شد این اشخاص
 همان اشخاصی بودند که یک عده از آنها مسلماً
 همکاری با شرکت نفت میکردند (در ارباب - که
 بودند چه می گفتند) پیشنها آنها این بود
 که باید باینکه بین المللی قطع نکات کرات

این اصل باینکه که مبادا صاحبان بجاگمال
 و بگویند که شما نخواستید شما بگویند تغییر
 آقا نفت را ما میخواستیم بر سر نیزش بخریداران
 زیاد برای ما بود منتهی دول بزرگ نگذاشتند
 این حق را برای خودشان حفظ بکنند این
 این حق را برای ملت ایران حفظ بکنند و
 حلاله کم بیاید این آقایان باید در نظر
 داشته باشید که در آنوقت یک اظهاراتی
 نمود که مؤید این باشد که آنها میگویند که
 شما بودید که نخواستید این را بنظر بنده
 نباید بآنها حق داد آنها نخواستند مانع شدند
 یک ملت کوچکی را مانع شدند از اینکه
 زیر بار خودش را بگیرد (فرامرز - بسیار
 صحیح است) این را یاد رفت که میگویم که
 پیشنها بانک بین المللی گفت که نصف
 شد را بر اساس قیمت خلیج مکزیک قرارداد
 بود این پیشنها داد بسیار برای ما مفید بود ۸۰
 هزار کارگر ما کارکنان مشغول میشدند نصفه
 خانه ما بکار می افتاد و ممالک مجاور ما
 دیگر نفت خودشان را زیاد نمی کردند که
 سال گذشته ۱۰۰ میلیون دلار فقط بکویت
 رسید و میخواست هر شرکت نفت دولت اگر
 از لاط این پیشنها داد را در کرد اما در
 تمام پیشنها داد و این پیشنها داد اول
 کسی که مانع شد خود انگلیسها بودند
 (خوشتری - بدست مصدق) عرض کنم اما
 وضع فعلی آقایان صنعت نفت را ملی کردیم
 تعطیل نخواستیم بکنیم هیچ مملکتی که
 سرمایه باین هیت مدیره این سرمایه خودش
 را تعطیل نمی کند اموال تمام دوستان
 جبهه ملی و وکلای مجلس این است که
 میبایستی مانع خودمان را از استفاده
 یک صنعت خنثی خارجی حق ندارند از اینکه
 ما یک ملت کوچکی هستیم را باینکه قدرت دارند
 ما کسی نداریم آنها کسی دارند و در شان زیاد است
 وضعی برای ما ایجاد بکنند که بزغاله به
 خرد نیست اینک بگویند به نفع ایران احتیاجی
 نیست این دروغ معض است احتیاج کامل
 هست همین ترتیب در مرحله اول نومیست
 چاپ لندن خربند که طار گذشته شرکت
 سابق نفت ۷۵ میلیون لیره خرج عملیات
 توسعه و استخراج و اکتشافی کرده است
 شرکت کداج شل که یکی از اعضای کنسرسیوم
 است سال گذشته ۲۲۰ میلیون لیره خرج
 اکتشافات و عملیات بهره برداری کرده
 منظور میشود یک منتهی باین هفت خارج
 کنند و نفت ایران مورد احتیاج نباشد
 صنایع دنیا هر ساله رو افزایش است که
 استعمال نفت ساله دو درصد و با افزایش
 است اینکه میباید میگویند که ما احتیاج
 نفت ایران نداریم منظور درصدهای
 وسط تقریباً میروند مدها میلیون دلار خرج
 می کنند یعنی بیابان پول میریزند ناما میگویند
 سکه که نفت را که بهترین نفت است و
 از رانترین نفت است احتیاج نداریم این
 صحیح نیست منتهی بنده حالا یک مثال
 میآورم آلمان غربی بعد از جنگ دید که

مراودا چشم دارند تکلمی کنند همجا را
 مریسته گما خراب است اصلاح کنند
 (شوشتری نظارت استصوابی نباید باشد)
داراب - نظارت همان بوده است که شرکت
 نفت سابق داشته است
خلعت پری - این کنترل با آنها
 نباید باعث مسائل باینه دزست مورد توجه
 آقایان قرار بگیرد که بر اساس ملی شدن
 با این سوابقی که بشمارش کردم دیدید که
 کارشناس خارجی آمدنش مخالف اصل ملی
 شدن نیست اگر در همان موقع پیشنهادات
 دکتر مصدق را قبول میکردند نفت هم بکار
 می افتاد ولی طرف کهنه حریف است حالا
 هم فدرالسم یک شز کنی نیخواهد چهل در
 صد نفت از دستش برود و خیلی عقب بهانه
 میگردد این یک سند (شوشتری - اگر
 مصدق میگردد اشتباه نبود حالا اشتباه است)
نایب رئیس - آقای خلعت پری وقت شما
 تمام شد
خلعت پری - بنده خیلی متشکرم و خیلی
 هم معذرت میخواهم که وقت آقایان را
 گرفتم .

میر اشرفی - دفعه دیگر هم خواهش
 میکنم راه ملاجرت را بفرمائید .
**(۴) معرفی آقای مصطفی
 سمیعی بمعاونت وزارت
 امور خارجه بوسیله آقای
 وزیر امور خارجه**
نایب رئیس - موارد دستور می شوم
 آقای وزیر امور خارجه فرمایشی دارید!
وزیر خارجه (عبدالله انتظام) - بنده
 فقط خواستم که آقای مصطفی سمیعی را
 که یکی از مامورین قدیمی عالی رتبه
 وزارت خارجه هستند بمعاونت دائمی وزارت
 خارجه معرفی کنم . (مبارک است)
شمس قنات آبادی - بنده طبع ماده
 ۱۱۶۹ اخطار دارم
نایب رئیس - آقای قنات آبادی ماده ای
 که فرمودیدم بوسیله سؤالات آقایان وزرا
 هم نوشته اند که ما برای جواب سؤالاها حاضریم
 باید مجلس تعیین جلسه کند آقایان هم حاضر
 برای جواب سؤالاها هستند
صفائی - هفته ای یکروز رامعین به
 فرمائید برای جواب سؤالاها

قنات آبادی - آقایان بفرمائید جواب
 بدهند کسانی را که تیبه کرده اند بجزیره
 هرمز میگردند سیات بکمه های دز خطرات است .
میر اشرفی - برایشان مجلس شتم
 میکنم ازیم .
**(۴) معرفی قسمتی از گزارش
 وزارت کار راجع به حادثه
 کارخانه بلور سازی بوسیله
 آقای معاون وزارت کار)**
نایب رئیس - آقای معاون وزارت کار
 معاون وزارت کار (دکتر صحت)
 بنده بدو از ابراز علاقه و همدردی که
 از طرف کلیه آقایان نمایندگان محترم
 مجلس شورای ملی نسبت بیازمانه گان کار -
 خانه بنی هاشمی مینورل فرموده اند تشکرو
 سیاستمداری مینمایم (یکنفر از نماینده گان -
 بفرمائید برای وراث آنهاچه کرده اید) و
 برای استحضار خاطر محترم آقایان گزارش
 جریان امر را عرض میرسانم (چند نفر از
 نمایندگان بلندتر)
 ۱- کارخانه بلور سازی بنی هاشمی
 سالها قبل از تأسیس وزارت کار و وضع
 قوانین کارو بیمه کارگران با وضعی **سکه**

منطبق با اصول ملی بوده تأسیس یافته است
 ۲- وزارت کار از بدو تأسیس خود
 پیوسته مذاکرات قانونی را در مورد اجرای
 قانون کار و قانون بیمه کارگران در باره
 کارگران کارخانه نام برده داده لیکن
 کارخانه در اجرای دستوروات وزارت کار مبنی بر
 اجرای قانون کار و رفع نقائص فنی احوال
 نموده است
پوریو - این مذاکرات رفع مسئولیت
 نمیکند .
حند نقر از نمایندگان - عده برای
 مذاکره کافی نیست
نایب رئیس - آقای دکتر یکقدردی
 صبر کنید عده کافی نیست .
بعضی از نمایندگان - تنفس
 بدهید .
نایب رئیس - چون عده برای مذاکره
 کافی نیست پنج دقیقه تنفس بدهیم .
 (مقارن ظهر جلسه بعنوان تنفس تعطیل
 و دیگر تشکیل نگردید)
 نایب رئیس مجلس شورای ملی -
نور الدین امامی